



## شماره ثبت: ۳۱۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	نکاتی در مورد شخصیت زرارۀ .....
۲	وثاقت زرارۀ .....
۳	روایات در مورد زرارۀ .....
۳	۱. روایات مداحه زرارۀ .....
۳	۲. روایات ذامه .....
۳	طایفه اول .....
۴	طایفه دوم .....
۴	طایفه سوم .....
۵	۳. روایات دسته سوم .....
۵	راههای رد تعارض روایات در مورد زرارۀ .....



شماره ثبت: ۳۱۷۳

## نکاتی در مورد شخصیت زراره

روایت اول به عنوان طایفه ممانعه مورد حساب شده است.

چون در این روایت به بحث زراره رسیدیم، حاشیه‌ای به وثاقت زراره می‌زنیم.

زراره از خاندان جدید الاسلام بودند. اسم وی زراره بن اعین بن سنسن شیبانی کوفی است. خانواده زراره یک خانواده اروپایی هستند. اعین، پدر زراره رومی بود. ایشان به اسارت در آمد و به کوفه منتقل شد. البته این خانواده یک خانواده علمی است. جد وی سنسن، کشیش و راهبه بوده است.

زراره مدتی در زندان بود. وقتی آزاد شد، مسلمان شد. این که انتهای اسم وی، شیبانی کوفی آمده است به خاطر نسبت ولا است. کسی که از زندان آزاد می‌شد به قبیله‌ای که در آنجا بوده است منصوب می‌شده است. زراره هم خوش منظور و خوش سیرت بوده است.

در تاریخ آمده است که وقتی روز جمعه، زراره برای نماز جمعه، لباس تمیز می‌پوشید، جماعتی به انتظار می‌ایستادند تا وی را نگاه کنند.

زراره، چهار برادر دیگر نیز دارد. هر یک از این چهار برادر از روات معروف و مشهور شدند. هر کدام از این برادران فرزندان داشتند که حتی فرزندان‌شان نیز از روات و محدثین هستند. البته برجسته‌ترین شخص این خاندان، زراره است. زراره یک شم اجتهادی بالا داشته است.

نکته دیگر این است که اعین پدر زراره و خود زراره ابتدا عامه بوده‌اند ولی بعد زراره استبصار پیدا می‌کند و شیعه می‌شود.

## وثاقت زراره

در کتب رجالی وقتی نگاه می‌اندازیم می‌بینیم که در رجال نجاشی، وی را توثیق کرده است و او را از بزرگان به شمار آورده است.

شیخ نیز چنین گفته است. زراره از اصحاب امام محمدباقر و امام صادق (علیهما السلام) بوده است.

در رجال کشی، روایات ذامه او را بیان کرده است.



## روایات در مورد زراره

دو طایفه روایات در مورد زراره وجود دارد:

### ۱. روایات مداحه زراره

روایاتی که زراره را مدح می‌کنند. مدح‌هایی که بسیار بالا و فوق‌العاده است. بالای سی روایت در مدح زراره موجود است. بین این روایات مداحه، روایات معتبری وجود دارد.

نمونه‌هایی از روایات

۱. در روایتی می‌گوید این چهار نفر، زراره، محمد بن مسلم، برید، هشام (احتمالاً) از اعلام دین هستند. اگر اینان نبودند آثار دین حذف می‌شد. در این روایت تعبیر اوتاد دارد.

۲. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر زرارۀ نبود آثار پدر من حذف می‌شد.

اگر نگوییم این روایات تواتر ندارد، در حد مستفیض وجود دارد. در توثیق ایشان اتفاق موجود است. حتی عامه نیز ایشان را از بزرگان خاصه به شمار می‌آورند. زراره از اجلای رجال است. وثاقت زرارۀ در حد بسیار بالایی است. زراره در سند هزاران روایت آمده است.

### ۲. روایات ذامه

این روایات ذامه نیز بالای بیست روایت است. طایفه دوم چند بخش است.

#### طایفه اول

یک دسته از این روایت اشاره به قصه امامت امام موسی بن جعفر (ع) است. داستان به این شکل است که امام صادق (ع) وقتی از دنیا رفتند، زراره مریض بود. وقتی در مورد امام موسی کاظم (ع) از ایشان سؤال می‌کردند، وی ابراز تردید می‌کرده است. وی فرزندش را فرستاد و اختلافی بین عبدالله و امام موسی کاظم (ع) پیدا شده بود. وی کسی را فرستاد تا مطمئن بشود. زراره تا زمانی که عبدالله برگشت، از دنیا رفته بود. این روایات از لحاظ دلالت محل خدشه است.

البته باید گفت این روایات به دو وجه دلالت بر ذم وی نمی‌کند.



## شماره ثبت: ۳۱۷۳

۱. وجه اول این است که مانعی وجود ندارد که کسی برای تردید، پرس و جو کند. زرارة قاعداً ایمان اجمالی داشته است. وی عنادی نداشته است. کسانی که در دوران قبل از غیبت از دنیا رفته‌اند، شیعه به حساب می‌آیند زیرا ایشان می‌گویند ما معتقد به آنچه هستیم که اولیاء طاهرین ما می‌گویند.

۲. وجه دوم این است که قصه از باب تقیه بوده است و الا شخصیتی مثل زرارة که با امام صادق (ع) این همه مانوس بوده است، بعید است که نداند پس از او چه کسی امام می‌شود. این احتمال دوم، اظهر و اقوی است.

بعضی نیز در اصل این قضیه تردید دارند. زیرا بعضی می‌گویند امام صادق (ع) در سنه ۱۴۸ به شهادت رسیدند و زرارة در سال ۱۵۰ فوت کرده‌اند.

### طایفه دوم

در این روایات لعن زرارة است. احتمالاً تمام این روایات از لحاظ سند ضعیف است.

### طایفه سوم

این دسته دلالت تامی ندارند. یکی از آن روایت همین روایت اول است.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَاسْتَقْبَلَنِي زُرَّارَةُ- خَارِجاً مِنْ عِنْدِهِ فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع- يَا وَلِيدُ أَمَا تَعْجَبُ مِنْ زُرَّارَةَ- سَأَلَنِي عَنْ أَعْمَالِ هَؤُلَاءِ أَيْ شَيْءٍ كَانَ يَرِيدُ أَنْ يَرِيدَ أَنْ أَقُولَ لَهُ لَا فَيُرْوِي ذَاكَ» (۶) «عَلَى ثُمَّ قَالَ يَا وَلِيدُ مَتَى كَانَتِ الشَّيْعَةُ- تَسْأَلُ عَنْ أَعْمَالِهِمْ إِنَّمَا كَانَتِ الشَّيْعَةُ تَقُولُ يُوْكَلُ مِنْ طَعَامِهِمْ وَيَشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِمْ وَيَسْتَظِلُّ بِظِلِّهِمْ مَتَى كَانَتِ الشَّيْعَةُ تَسْأَلُ عَنْ هَذَا.»<sup>۱</sup>

اینکه امام (ع) می‌گوید زرارة سریعاً پیام ما را به همه می‌دهد. این تضعیف شخصیت نیست. بهر حال زرارة کسی بوده است که اهل سؤال و جواب بود، و امام (ع) منظورشان این بوده است که کار زرارة خلاف تقیه است.

آقای خویی، اکثر این روایات را ضعیف دانسته‌اند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۷.



## شماره ثبت: ۳۱۷۳

### ۳. روایات دسته سوم

بعضی از روایات نیز وجود دارد که در این روایات آمده است که ما در مورد زرارة این حرف‌ها را زدیم تا منتسب به ما حساب نشود. امام (ع) می‌فرماید: ما مذمت‌هایی کردیم تا از ما فاصله بگیرد تا آزار نبیند.

### راه‌های رد تعارض روایات در مورد زرارة

تا اینجا دو مطلب را باید از هم تفکیک کنیم.

۱. زرارة یک شخصیت تمام عیار است؟

۲. از لحاظ نقل روایی فرد ثقه است یا خیر؟

مطلب بعدی این است که در ثقه بودن زرارة نمی‌توانیم تردید داشته باشیم. راه علاج این تعارضات به صورت زیر است:

۱. روایات مدح ایشان، به قدری زیادی است که قطع را برای ما حاصل می‌کند. هر چیزی که در برابر قطع قرار بگیرد برای ما اعتباری ندارد.

۲. وقتی این دو روایت را جمع می‌کنیم می‌بینیم که تمام این روایات داهمه، از روی تقیه است. شیعه در اقلیت بوده است. زیست اقلیت، قوانینی دارد. ائمه نیز برای حفظ شیعیان خود، شبکه‌ای داشته‌اند. این شبکه گاهی قوی‌تر و ضعیف‌تر می‌شد.

یکی از تدابیر تقیه‌ای این بوده است که فرد را مورد مذمت قرار می‌دادند تا شخص مورد آزار و اذیت قرار نگیرد.

۳. روایات داهمه، از لحاظ سندی ضعیف هستند. آقای خویی (ره) نیز چنین فرموده‌اند. ولی روایات کمی وجود دارد که اعتبار دارد. در این روایات یقینی آمده است که محل اختلاف است.